

سفری از خواستن تا دست یافتن



نویسنده: داریوش دهقان

منتشر شده در:

مجله موفقیت شماره ۹۱

ژانویه ۲۰۰۶

خواستاران موفقیت در هر زمینه ای آنگاه موفق شناخته می شوند که بتوانند با کار و کوشش وضع موجودشان را به وضع مطلوب تبدیل کنند. از آنجا که می دانیم وضع موجود در اثر تفکرات، شرایط، رفتارها و کردارهای فعلی ایجاد شده است، نمی توانیم انتظار داشته باشیم که ادامه همین تفکرات، شرایط، رفتارها و کردارها بتواند وضع مطلوب را به وجود آورد. به ناچار تغییر همه یا بعضی از آنها را ضروری می یابیم. مثالی ساده این موضوع را روشن تر می کند. فرض کنید شما اکنون وزنتان هشتاد کیلو است (وضع موجود) و می خواهید آنرا به شصت کیلو برسانید (وضع مطلوب). بی تردید ناگزیرید که ابتدا تصویر ذهنی خود را در مورد نیرو، سلامت و تناسب اندام و سپس سبک زندگی، برنامه غذایی و میزان فعالیت های بدنی خویش را تغییر بدهید تا به نتیجه دلخواهتان برسید. بسیاری از مردم در راه پیروزی گام برنمی دارند چون نمی خواهند وضع نسبتاً ثابت موجود را که برایشان راحت و آشنا ست با وضع مطلوب ولی نا آشنایی که متضمن تغییر می باشد عوض کنند. اما افراد پیروزی خواه از تغییر استقبال کرده و تغییردهنده نیز می شوند. آنها می دانند که تغییر دادن آگاهانه همه یا بعضی از عواملی که اوضاع و احوال فعلی را به وجود آورده اند در مواردی و ایجاد بینش، نگرش، محیط، عوامل و شرایط جدید در موارد دیگر، جزء ضرورت های موفقیت می باشد. روشن است که هرچه موفقیتی بزرگتر باشد تغییرات بیشتری را می طلبد. می توان جریان پویای ازخواستن تا دست یافتن را به سفر تغییر دهنده و رشد افزایی تشبیه کرد و شرایط عمومی آن و ویژگی های مسافر و مقصدش را بررسی نمود تا آنها هم که تغییر را نمی خواهند و یا به دلائلی توانایی های خود را ندیده می گیرند آگاهی و انگیزه بیشتری برای آغاز سفر پیروزی خود پیدا کنند. واژه های به کار رفته در این تشبیه به صورت زیر تعریف می شوند:

مبدأ = وضع موجود
 مقصد = وضع مطلوب (آرزو، هدف)
 مسافر = فردی پایدار با آرزوی شعله ور
 باروبنه = دانش، اراده، تعهد و تمرکز
 خودرو = امید، اعتماد بنفس و پشتکار
 راه = نقشه و برنامه پیروزی
 تابلو راهنما = دانش و تجربه پیشروان
 سوخت = تجسم پیروزی و امتیازاتش

همانطور که برای شروع هر سفر ارزشمندی پیش بینی ها و وسایلی لازمست، برای آغاز و ادامه این جریان آگاهانه یا سفر رشد افزای پیروزی نیز پیش نیازها و تدارکاتی ضروریست که غفلت از آنها مانع رسیدن به وضع مطلوب می شود. برجسته ترین و ضروری ترین پیش نیازمسافر پیروزی که **مقصد** او را تشکیل می دهد، داشتن آرزوی شعله ور و این باور می باشد که تا به این آرزو نرسد آرامش نخواهد یافت. این خواست که برای خواستار و انسان های مورد نظرش سودبخش است، باید چنان قوی باشد که اهمیت و ضرورت یک نیاز را دارا شود. این آرزو باید چنان سراسر ذهن مسافر را فرا گیرد که اولین چیزی باشد که با آن از خواب برمی خیزد و آخرین چیزی که با آن به خواب می رود. آرزویی با این ویژگی ها پیوسته مسافر را به جانب خود می خواند و وادارش می کند تا در هر جا و هر فرصتی در موردش جستجو کرده و اطلاعات تازه ای بدست آورد. هرکس و هرچیز که از این مقصد آگاهی و نشانی داشته باشد کنجکاو و بررسی مسافر را جلب می کند. کاربرد و اثر چنین آرزو یا مقصدی آن قدر مهم است که فقدانش بیش از نود و نه درصد پیروزی خواهان را از ترس مانع و مشکل، از میدان به در می کند.

تنها آرزومندانی که چنین مقصدی دارند، بی تردید و تزلزل به طرف آن پیش می تازند و از مانع و دشواریها نمی هراسند.

مسافر پیروزی انسانی است با آرزویی شعله ور و اراده ای استوار که خود را شایسته و سزاوار وضعی برتر می داند و به خواسته خود قدرت نیاز بخشیده است. او فرد هدف دار و جسور است که می خواهد خود را از اسارت وضع موجود برهاند و به وجاهت وضع مطلوب برساند.

بارونه این مسافر ماجراجو دانش و اطلاعات مربوط به آرزو، اراده قوی، تعهد به ادامه راه و نیروی متمرکز برای رسیدن به مقصد و مقصودش می باشد.

خودرو این مسافر از امید رسیدن به آرزو، اعتماد به خود و پشتکار ساخته شده است. یکی از مهارت های چشمگیر مسافر پیروزی در هدایت این خودرو اینست که تنها برجاده پیروزی و تابلوهای آن تمرکز داشته و تا رسیدن به مقصد به راه دیگری منحرف نمی شود. او دانشجویانه و سپاس گزارانه از دیگران یاری و اطلاعات می گیرد اما فرمان وسیله نقلیه اش را به هیچکس نمی سپارد. راننده این خودرو جستجوی لازم کرده و برای رویارویی با دست اندازها و باد و باران ها و موانع و مشکلاتی که در سر راهش پیدا می شوند آمادگی دارد.

جاده و راه مسافر پیروزی، نقشه و برنامه ای است که پس از تبدیل کردن آرزو به هدف، برای خود ساخته و آن را دنبال می کند. این نقشه و برنامه که ریز اقدامات انجام دانی هر سال، ماه، هفته و روز را نشان می دهد، مسیر دقیق سفر و برنامه هر روزه اش را مشخص می سازد. این مسافر خستگی ناپذیر به فراست دریافته که اگر صاحب عمری چند برابر معمول هم بشود، همه چیز را خود نمی تواند تجربه کند، بنابراین نوشته ها و یافته های افراد پیروز و پیشرو را به دقت خوانده و دانش و تجربیات آنان را **تابلوی راهنمای** سفرش قرار داده است. او آموخته که رسیدن به پیروزی ارزشمند مستلزم تلاش برتر و عبور از موانع و مشکلات است. مسافر پیروزی یقین دارد که تجربه و رشد در اثر رویارویی با مشکلات و حل آنها حاصل می شود. خواننده است و به یاد می آورد که همه داستان های هیجان انگیز موفقیت، شرح غلبه انسان ها بر دشواریهاست. بنابراین می داند که اگر هدفی بدون مشکل و تلاش میسر شود، ارزش عنوان پیروزی نداشته و داستانی برای گفتن ندارد. او با خود عهد کرده که شاخص باشد و ممتاز عمل کند بنابراین هرکاری را چنان انجام می دهد که انگار همه پیروزی به آن وابسته است. بازتاب تمرکز قلب و روح، هوش و سلیقه، و دانش و مهارتش در هر کار کوچک و بزرگی که انجام می دهد، دیده می شود. حتی یک روز هم نمی گذرد که برای نزدیکتر شدن به هدفش فکر و کاری نکند. او عادت کرده که قبل از شروع هر عملی از خود بپرسد آیا این عمل مرا به هدفم نزدیکتر می کند یا نه و اگر جواب مثبت بود انجامش دهد. مسافر پیروزی می داند که وسیله نقلیه یا خودروش تنها زمانی به گل نشسته و از کار می افتد که او امید و اعتماد به نفس خود را از دست بدهد و تلاشش را متوقف سازد. اهمیت و عظمت این خورو برای او روشن شده و دریافته که در سراسر راه به آن نیازمند است، بنابراین در هیچ شرایطی آن را رها نمی کند.